

فرهنگ سازی از راه ارائه الگوی مناسب

محمدعلی ربانی

فرهنگ، مهم ترین جلوه و نماد بیرونی و خارجی از انسانیت بشر است. از این رو شخصیت هر کسی را براساس فرهنگ وی می‌سنجند. هم چنین فرهنگ هر جامعه به عنوان مهم ترین معیار سنجش و داور در باره آن جامعه و بیانگر میزان رشد و تکامل آن در مسیر درست کمالی به شمار می‌آید. بر این اساس قرآن به مسایل فرهنگی بیش از هر مسئله دیگر بها داده و آموزش و پرورش انسانی را در این مسیر مورد توجه و اهتمام ویژه قرار داده است.

بسیاری از آموزه های قرآنی به حوزه فرهنگ سازی توجه داشته و دستورهایی به این منظور صادر کرده است. حوزه مسایل تربیتی که به اشکال مختلف در قرآن مورد توجه است بازتابی از این توجه قرآن به مسئله فرهنگ سازی می‌باشد؛ زیرا هر جامعه ای در صورتی می‌تواند در مسیر الهی و صراط مستقیم گام بردارد که آموزش فرهنگ سازی درست زندگی در آن مورد اهتمام باشد و مردم در مسیر درست جامعه پذیری آموزش دیده و پرورش یابند.

بسیاری از رفتارهای فردی و اجتماعی همواره نیازمند بازسازی و بهسازی است؛ زیرا به علل درونی و بیرونی، انسان گرایش های افراطی و تفریطی پیدا می‌کند که خود عامل مهم کژروی انسان است. تأکید بر اعتدال و میانه روی در همه حوزه ها و ارایه مسیر کمالی به نام راه راست و صراط مستقیم از آن روست تا همواره با معیار و میزانی، جلوی کژروی ها گرفته شود.

یکی از روش های قرآن برای فرهنگ سازی درست و سازنده، ارایه الگوی مناسب در همان زمینه است تا به عنوان معیار و ملاک داور همیشه در جلو چشم باشد. نویسنده در این نوشتار بر آن است تا به نقش ارایه الگوهای مناسب در حوزه فرهنگ سازی از دیدگاه قرآن توجه دهد و تحلیل و تبیین قرآن را در این زمینه یادآور شود. با هم این مطلب را از نظر می‌گذرانیم.

روش های تربیتی قرآن

بی‌گمان هر انسانی از زمان تولد نیازمند آموزش و پرورش است تا بتواند شناخت جامع و کاملی از هستی و خود و نیز هدف و مسیر خویش در جهان هستی بیابد. چنان که هر شخصی در کنار شناخت، نیازمند آن است تا به کمک اصول پرورشی، ظرفیت ها و توانمندی های خود را فعلیت بخشد. از این رو تعلیم و تربیت به عنوان مهم ترین دغدغه همه افراد و جوامع در طول تاریخ مطرح بوده است.

انسان و جامعه زمانی می‌تواند به هدف اصلی و فلسفه آفرینش دست یابد که آموزش و پرورش به شکل درست و کامل انجام پذیرد. لذا مسئله بهترین روش های آموزش و

پرورش فردي و اجتماعي مورد توجه همه جوامع بشري بوده است. از آن جايي که هدف آموزه هاي وحياني از جمله قرآن، معرفي بهترين شيوه آموزشي و پرورشي به هدف دست يابي بشر به هدايت واقعي است، مسئله شيوه هاي آموزشي و پرورشي در مرکز اهتمامات و توجهات قرآني قرار گرفته است. آیات قرآني با توجه به ساختار طبيعي و نيازها و انگيزه هاي بشري، بر آن است تا بهترين و کامل ترين و آسان ترين روش و شيوه آموزشي و پرورشي را ارائه دهد تا انسان ها در اين مسير گام بردارند و مقاصد آفرينش را تحقيق عيني بخشد.

روش ارائه الگوي مناسب

از جمله روش هاي قرآني، ارايه الگوهاي عيني و پسندیده براي هر چيزي است؛ زيرا انسان ها داراي نيازها و ابعاد گوناگوني هستند که ارايه بهترين الگو در هر زمينه اي مي تواند به تحقق فرهنگ مطلوب کمک کند.

اگر به آیات قرآني توجه شود به آساني مي توان دريافت که گزارش هاي قرآني همواره با عطف به مسئله معرفي الگوهاي مناسب و درست در هر زمينه اي بوده است. حتي از آن جايي که برخي نيازمند آن هستند که الگوهاي نامناسب را به صورت موردی و خاص بشناسند و از پيروي آن دوري نمايند، قرآن به معرفي الگوهاي ناپسند نیز مي پردازد تا شخص و جامعه خود به قضاوت درباره دو دسته از الگوها پرداخته و بهترين و پسندیده ترين آن را انتخاب کند. با عنايت به اين که برخي از افراد جامعه از نظر توانايي و ظرفيت در آن اندازه نيستند تا خود مصاديق الگوهاي ناپسند را بشناسند و از آن پرهيز کنند. تبیین و معرفي نظري و مصداقي هر يك از الگوهاي ناپسند مي تواند اين دسته از افراد را نیز دربرگيرد و آنان را در مسير درست و کمالی قرار دهد.

به سخن ديگر، گاه نياز است که الگوهاي ناپسند نیز معرفي شوند تا هم فرصت سنجش براي افراد فراهم آيد و هم کساني که ناتوان از تشخيص سره از ناسره و درست از نادرست هستند اين امکان را بيابند تا با معياري درست و کامل در مسير صحيح گام بردارند.

اين گونه است که در مسايل خانوادگي دو دسته از الگوهاي پسندیده و ناپسند را معرفي مي کند. در آیات 10 تا 12 سوره تحریم مي توان اين شيوه آموزشي و فرهنگ سازي قرآني را به آساني شناسايي و ردگيري کرد. خداوند در اين آیات افراي را به عنوان الگوهاي پسندیده و ناپسند معرفي مي کند؛ چنان که در اين آیات و آیات ديگري که مرتبط به همين الگوهاست تحليل خود را از پسندیده و ناپسند بودن اين الگوها بيان مي کند.

قرآن به علت اين که هدف از آفرينش انسان را خلافت الهي از راه عبوديت مي داند، بر آن است تا الگوهايي را معرفي کند که در اين مسير گام برداشته و به هدف رسيده اند. به سخن ديگر، خداوند هر چند که افراي را به عنوان الگوهاي کامل براساس هدف

تعیین شده آفرینش معرفي مي کند، با این همه الگوهايي را نیز در برخي از حوزه هاي مهم زندگي به طور خاص معرفي مي کند که انسان ها مي توانند آن ها را سرمشق خویش قرار دهند. در این راستا افزون بر معرفي الگوهاي کلي و جامع چون رسول الله (ص) که در آیه 21 سوره احزاب معرفي شده، به معرفي الگوهاي مورد نیز توجه دارد. بطوري که در حوزه عفت و حیا به حضرت مریم(س) در آیه 12 سوره تحریم به عنوان الگوی پسندیده توجه مي دهد و در آیه 11 سوره تحریم نیز آسیه همسر فرعون را به عنوان الگوی مقاومت زنان معرفي مي کند.

در مسئله صبر به ایوب (ع) و صبر جمیل به یعقوب (ع) و در مسایل دیگر کسانی دیگر را معرفي مي کند که در آیات قرآني به اشکال مختلف گزارش شده است. از جمله الگوهايي که قرآن به عنوان الگوی کلي معرفي مي کند حضرت ابراهیم (ع) و پیروان وي است (ممتحنه آیات 4 و 6) چنان که افراڊي به نام ربانیون را نیز در آیات 146 و 147 سوره آل عمران به عنوان الگوهاي پسندیده و مناسب معرفي مي کند و در آیه 90 سوره انعام بر پیروي و الگو برداري از این افراد تاکید مي ورزد.

ویژگی الگوها

همان طور که از آیات برمي آید الگوهايي که برای پیروي مورد توجه قرار مي گیرند، باید دارای ویژگی ها و خصوصياتي باشند. از جمله مهم ترین این ویژگی ها مناسبت میان الگو و مساله اي است که مي بایست در آن شخص، از الگو پیروي کند. به عنوان نمونه در مساله حیا و عفت باید الگوهاي معرفي شوند که در این حوزه به عنوان مصادیق کامل عفت و حیا شناخته هستند. از این رو به حضرت مریم (س) و دختران شعیب (ع) به عنوان الگوهاي عفت و حیا در این میان زنان توجه داده شده است. خداوند در گزارشي از عفت و حیاي دختران شعیب (ع) مي فرماید که دختر شعیب درحالي به سوي حضرت موسي (ع) آمد که رفتار وي برخاسته از حیا و عفت بود. وقار و طمانینه درگام برداشتن و چشم فرو هشتن و متانت در گفتار و در عقب حضرت موسي (ع) حرکت کردن از جمله مصادیقي است که درباره حیا و عفت دختر حضرت شعیب(ع) در برخی از روایات آمده است.

همچنین معرفي حضرت یوسف (ع) برای تقوای جنسي و واکنش مناسب در برابر عشو ه های زنانه و تحریکات جنسي و یا برای مدیریت کشوري و سیاسي و نیز معرفي حضرت یعقوب (ع) و ایوب (ع) برای صبر از باب توجه به مناسبت میان الگو و مسائل آن است.

بنابر این نمی توان برای بیان مسائل زنان، الگوهاي مردانه را ارایه داد چنان که نمی توان برای بیان مسائل عرفاني، الگوهاي از فقیهان معرفي کرد و یا در حوزه مسائل اقتصادی از الگوهاي نظامي نشانی داد.

از ديگر ويژگي هاي الگو آسان بودن دسترسي به آن است. به اين معنا كه الگو بايد به گونه اي باشد كه به سادگي در دسترس قرار گيرد و پيروي از وي ممكن باشد. برخي از مردم، امامان معصوم (ع) و پيامبر (ص) را آن چنان بالا مي برند كه قابل الگوبرداري نبوده و دور از دسترس قرار مي گيرند. درحالي كه قرآن بارها بر اين نكته تاكيد مي كند كه آنان نيز همانند شما بشري هستند كه مي توان از آنان الگوبرداري كرد و به كمالاتي كه آنان دست يافته اند دست يافت.

اگر الگوها به گونه اي باشند كه قابل دسترسي نباشند نمي توان آنها را به عنوان الگو معرفي كرد. به عنوان نمونه اگر فرشتگان يا جنيان الگو براي انسان قرار داده شوند. الگوي نامناسب و دور از دسترس هستند؛ زيرا خصوصيات و ويژگي هاي انساني با آن ها متفاوت است و انسان نمي تواند آنان را الگوي خويش قرار دهد.

بسياري از الگوهايي كه براي جوانان و نوجوانان معرفي مي شود از جمله مصاديق خروج از اين مولفه و ويژگي الگو بودن است. بنابر اين بايد همواره به اين نكته توجه داشت كه الگو، مناسب و در دسترس باشد. در مسائل اقتصادي نمي توان جامعه اي را معرفي كرد كه داراي ظرفيت ها و ويژگي هاي اختصاصي است. به عنوان نمونه كشوري كه در بيابان و كوير قرار دارد نمي تواند در مسئله آب، كشوري چون برزيل را كه از رودخانه ها و جنگل هاي بزرگ برخوردار است و يا كشورهاي باراني ديگر را الگوي خود قرار دهد.

از ديگر ويژگي هاي الگو آن است كه بر بنياد اعتدال باشد؛ زيرا هرگونه افراط گرایی در الگو مي تواند فرد و جامعه را از مسير تكاملي باز دارد. به اين معنا كه اگر الگو در همان موردی كه الگو قرار مي گيرد، داراي افراط باشد نمي تواند مفيد و سازنده باشد. از نظر اسلام بنياد همه چيز بر عدالت است و اعتدال و ميانه روي در امور به ويژه رفتاري كه مي بايست الگوي عمل قرار گيرد، از اصول اساسي آن به شمار مي رود. از اين رو خداوند از هرگونه افراط و تفریط در زندگي بازمي دارد و آن را عامل اختلال زندگي بشر مي داند.

لذا در آيات قرآني افراط در انفاق نيز امري مذموم دانسته شده است و با آن كه انفاق، عملي واجب و پسندیده و فضيلتي بسيار مهم براي آدمي است، هرگونه خروج از اعتدال و گرايش به افراط و تفریط در آن منع شده است. (اسراء آيات 29 و 38 و فرقان آيه 67)

خداوند در آيات 17 و 19 سوره لقمان رعايت اعتدال در راه رفتن را سفارش مي كند كه اين خود نمونه اي از مصاديق اين مسئله است.

اينها برخي از ويژگي هايي است كه يك الگوي مناسب بايد از آن برخوردار باشد.

فرهنگ سازي از راه معرفي الگو

با توجه به اين كه انسان موجودي مقلد است و بسياري از تجربيات و دانش هاي خويش

را از طريق تقليد مي آموزد و يا به ديگران و نسل هاي ديگر منتقل مي کند مي توان گفت که الگوسازي امري مهم و اساسي است.

البته همين مسئله تقليد عامل مهمي در گمراهي بشر است. از اين رو قرآن از تقليدهاي کورکورانه و به دور از عقلانيت و مشروعيت باز مي دارد. به اين معنا که همين عامل انتقال تجربيات و دانش ها از نسلي به نسلي ديگر، خود مهم ترين عامل بازدارندگي انسان از رشد و کمال و عقب افتادگي بشر قرار مي گيرد در صورتي که به درستي از اين توانمندي و ظرفيت بشري استفاده نشود.

همان گونه که انسان نيازمند آموزش و تربيت است، نيازمند الگوسازي مناسب و سالم نيز مي باشد. تقليدگر ابي بشر موجب مي شود تا خود الگويابي کند و در جست وجوي الگوي زندگي برآيد. اگر در اين ميان الگوسازي مناسب و درستي انجام نشود، اين ظرفيت و توانمندي بشر يا هرز مي رود و يا آن که عامل بازدارنده و عقب افتادگي شخص و يا جامعه مي شود.

از اين جاست که مسئله الگوسازي مناسب و درست خود را بر مديران و مربيان جامعه و خانواده تحميل مي کند. احساس نياز به الگو در بشر و جامعه بايد به طريق درست پاسخ داده شود. بنابر اين ضروري است تا الگوهاي مناسب و درستي براي شخص و يا جامعه معرفي شود. خداوند بر اساس پاسخ گويي به اين نياز بشر و جامعه است که برخي از پيامبران را به عنوان الگوهاي مناسب معرفي مي کند و يا پيامبر اکرم(ص) را به عنوان الگوي کامل و تمام عيار به تمامي جوامع بشري معرفي مي نمايد و براي جوامع بشري نيز امت عصر پيامبر(ص) را به عنوان شاهد و الگوي قابل پيروي جوامع مطرح مي سازد.

انسان ها براي اين که به شخصيت درست و سالم دست يابند و در مسير کمالی و رشد، حرکت کنند بايد الگوهاي مناسبی را دارا باشند. اين جاست که فرهنگ سازي از راه الگوسازي مي تواند نقش خود را به خوبي ايفا نمايد.

فرهنگ سازي از راه اصلاح الگوها

برخي از الگوهاي که معرفي شده اند به سبب نقص ذاتي و يا عارضي ناتوان از ارايه درست زندگي براي بشر در مکان و يا زماني معين مي باشند. لذا مردم با پيروي از الگوي نادرست و ناقص، رفتار و فرهنگ غلطي را مي آموزند و در ايشان نهادينه مي شود. از اين رو لازم است با معرفي الگوهاي درست و مناسب و کامل، فرهنگ رفتاري جامعه و يا شخص را تغيير داد.

بر اين اساس اصلاح دايمي الگوها براي ايجاد فرهنگ سازي مناسب به عنوان يك ضرورت خود را بر جامعه و خانواده تحميل مي کند.

به عنوان نمونه در طول سال هاي گذشته براي اين که تغيير در فرهنگ مصرف مردم داده شود و آنان به سوي مصرف کالاهاي وارداتي و خارجي رو آورند، الگوهايي از

راه رسانه هاي جمعي و يا شخصيت هاي محبوب معرفي شده اند كه عامل مصرف گرایی در جامعه شده است.

اكنون اگر بخواهيم اين فرهنگ نادرست و غلط مصرف گرایی را از جامعه بزداييم نیازمند معرفي الگوهاي مناسب و درست و كامل هستیم.

در اين میان رسانه ها و عامل غرقه سازي، نقش پررنگ و بسيار مهم خود را نشان مي دهد؛ زیرا رسانه ها مي توانند الگوهاي مناسبی را معرفي و در تغيير فرهنگ نقش اساسي داشته باشند. از اين رو براي فرهنگ سازي مناسب لازم است تا الگوها اصلاح شوند. فرهنگ عمومي با تغيير و اصلاح الگوها تغيير مي يابد و در مسیر درست قرار مي گیرد.

از اهتمام قرآن و اسلام براي معرفي الگوهاي مناسب و كامل برمي آيد كه از نظر قرآن بهترين شیوه و روش براي فرهنگ سازي مناسب، بهره گيري از ارایه الگو و اصلاح آن در صورت نیاز است.

پیامبر اکرم(ص) در ایجاد جامعه نمونه و برتر خود از روش اصلاح الگوها و يا تغيير در آن، فرهنگ سازي را آغاز کرده و به نتایج مهمي دست يافت.

به سخن دیگر، اصلاح و يا تغيير الگوي مصرف در حقیقت بهترين و كامل ترين شیوه براي اصلاح فرهنگ و نهادينه کردن فرهنگ درست و مناسب با اهداف عالي و بلند اسلام است. باشد با معرفي الگوهاي كامل و مناسب گام هاي درستي در راه اصلاح فرهنگ عمومي جامعه برداريم.